

ابعاد یک حضور و رد صلاحیت ۳

عباس عبدي

نامه آقای جنتي نشان داد که شوراي نگهبان فاقد گردش کار قانوني و معقول و قابل دفاع براي رسيدگي به صلاحيتهاي افراد است. منتقدين شوراي نگهبان، بارها و بارها بر اين اشکال جدي انگشت گذاشته‌اند ولي به علت باز نبودن فضاي اين شورا هيچگاه سندي که تا اين اندازه روشن آن انتقادات را مستند کند در اختيار قرار نمي‌دادند. کافي است به اين بخش از نامه توجه کنيم: «تصميم‌گيري درباره احراز صلاحيت داوطلبان رياست‌جمهوري مطابق بند ۹ اصل ۱۱۰ و اصل ۱۱۵ قانون اساسي بر مبناي گزارشهاي رسمي دستگاههاي قانوني و شناخت و اطلاعات اعضا از سوابق و ويژگيهاي داوطلبان، پس از بحث و مذاکره با راي مخفي صورت مي‌گيرد و مستند راي اعضاي شوراي نگهبان ممکن است يکسان نباشد و مانند تصميم‌گيري در موارد مشابه در ساير نهادها، هر يك از اعضا به يك يا چند گزارش يا اطلاعات خود توجه کرده باشند.» معني گزاره‌هاي بالا اين است که يك مجموعه مطالبتي در نقد يا له و عليه افراد گفته ميشود، هيچ‌کدام از آنها با روش عادلانه و متعارف اعتبارسنجي نميشود. فردي که عليه او اين اتهامات طرح شده هيچ اطلاعي از آنها ندارد و هيچ امکاني براي دفاع نيز ندارد، در نهايت هم افراد حاضر، برحسب تصورات خود از آنچه گفته شده يا حتي آنچه خودشان از فرد در ذهن دارند راي مي‌دهند. انصافا خداوند بزرگ نيز در روز جزا اين‌گونه با بندگان برخورد نمي‌کند که اينها با مردم چنين رفتاري دارند. خداوند جوارح بشر را به شهادت مي‌گيرد ولي در اين فرآيند جايي براي حضور هيچ متهمي نيست. جالب است که حتي متوجه قبح چنين فرآيندي نبودند که آن را مکتوب و رسماً ابلاغ کرده‌اند؟ رفتار متعارف و عقلايي چگونه است؟ اول اينکه بايد عناوين رد صلاحيت افراد يا شرايط لازم براي احراز صلاحيت کاملاً احصا و تعيين و تعريف شود. دقيقاً مثل قانون. سپس هرگونه ادعائي که عليه يا له فرد وجود دارد، مرتبط با اين عناوين مطرح گردد.

فرد بايد بتواند در نقد و رد آن ادعاها از خود دفاع کند، سپس براي اثبات و رد تکتک آنها راي‌گيري شود، اگر موردي از آنها راي اکثريت را آورد و مصداق رد صلاحيت باشد، همان مورد براي عدم تاييد نامزد کافي است. ولي نامه مذکور نشان مي‌دهد که: يکم؛ هيچ گردش کار منصفانه و عادلانه‌اي وجود ندارد و هيچ تعريف روشني از عناوين

رد و تایید صلاحیت وجود ندارد.

جالب است که شش نفرشان فقیه هستند و میدانیم که فقها برای هر بیان نظری و فتوایی اصطلاحاً چقدر مته لای خشخاش میگذارند تا مبادا اشتباهی صورت دهند یا حقی زایل شود ولی در اینجا به ساده ترین شکل ممکن درباره سرنوشت يك ملت تصمیم میگیرند. با وجود چنین قدرتی، خود را هم در وضعیت موجود حتی اندکی مسوول نمیدانند.

دوم؛ بیشتر ادعاهای مطرح در نامه حتی اگر درست باشد، ربطی به موضوع صلاحیت نامزد انتخاباتی ندارد.

سوم؛ حتی همین موارد بربط با موضوع تعیین صلاحیت فرد، نیز عموماً نادرست و مخدوش بوده است.

چهارم؛ همه اینها در مورد فردی است که سابقه ۴۳ساله در سطوح بالای سیستم در این ساختار سیاسی دارد و برادرش نیز عضو شورای نگهبان است. خودش هم با همه اینها از نزدیک نشست و برخاست داشته است.

در گفتوگوی مفصل مکتوبی که پیشتر با یکی از محققان شورای نگهبان درباره نقد این شورا در روزنامه اعتماد داشتم و اخیراً نیز در کلابهاوس در همین رابطه گفتوگو داشتم، توضیح دادم که شورای نگهبان بالاترین نهاد حقوقی در کشور است، ولی کمتر حقوقدانی حاضر میشود که از تصمیمات آن دفاع کند. نامه مذکور میتواند شاهد جدید و قاطعی در اثبات ادعای بنده باشد، بعید میدانم که حتی يك حقوقدان نیمه معتبر هم از استدلالهای موجود در نامه دفاع کند.

شماره: ۱۴۰۰ ۶ ۰۰۰۰۰۰۰۰